

ضرب المثل ها

برگرفته از کتاب فرهنگ جامع مثل ها و حکمت ها

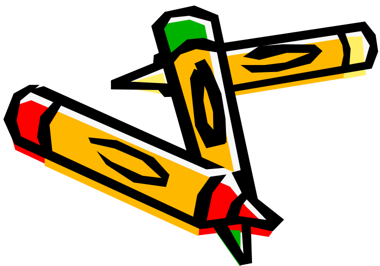
گردآوری: حبیب کشاورز
عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان

www.naasar.ir



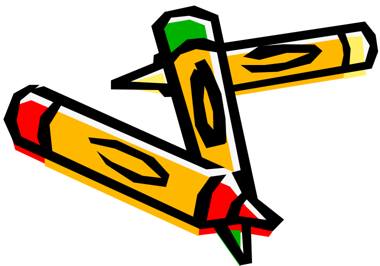


- ابن الإسکاف حفیان و ابن الحائک عریان
- فرزند کفش دوز، پابرهنه و فرزند بافنده ، برهنه است
- کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد
- أتتکم فالیة الأفاعی
- فالیه افعی ها به سویتان آمده اند
- فالیه نوعی سوسک که همنشین مار است و نشانه وجود مار
- هنوز اولشه



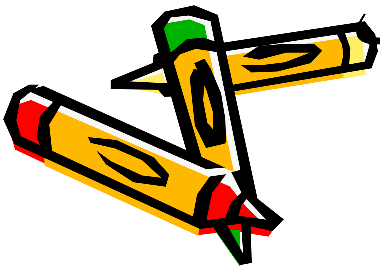


- اختم بالطين مادام رطبا
- با خاک مهر موم کن ، تا زمانی که نمناک است.
- تا تنور گرم است نان را بچسبان
- إذا طلع الصباح بطل المصباح
- چون سپیده بدمد چراغ بی فایده شود
- آنجا که آب است تیمم باطل است



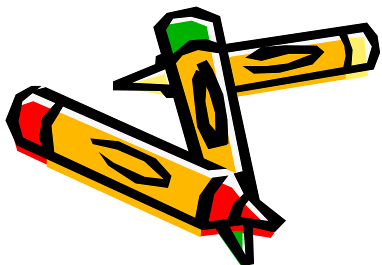


- أراد أن يجبرها فزادها كسرا
- خواست شكسته بندی كند ، آن را بيشتر شكست
- رفت ابرويش را درست كند چشمش را كور كرد
- أعلمه الرماية كل يوم   فلما اشتد ساعده رمانی
- هر روز تيراندازی را به او می آموختم چون بازويش توانمند شد مرا نشانه گرفت
- و كم علمته نظم القوافی   فلما قال قافية هجانی
- مار در آستين پروراندن



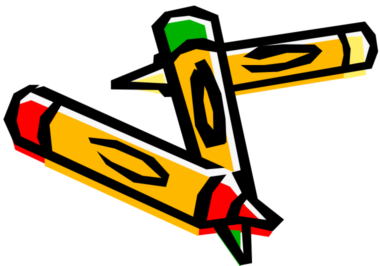


- أفق قبل أن يحفر ثراک
- پیش از آنکه قبرت کنده شود بیدار شو
- ای که دستت می رسد کاری بکن   پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
- أمسک الحبل من طرفیه
- ریسمان را از دو طرف آن گرفت
- هم از توبره می خوره هم از آخور



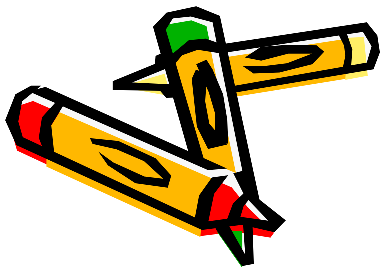


- الثور يُضرب لما عافت البقرة
- گاو نر تنبيه می شود وقتی گاو ماده خودداری کند
- به در می زند تا ديوار بشنود
- جاذِبِ الشيطان قيادک
- اختيارت را از کف شيطان در آور
- از خر شيطان پياده شو



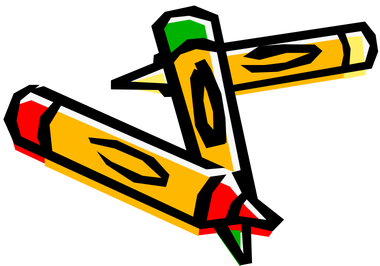


- جدح جوين من سويق غيره
- جوين با آب ديگران خمير درست كرد
- از كيسه خليفه مى بخشد
- جيفة لاتُعكّر بحرا
- يك لاشه مرده دريا را آلوده نمى كند
- با دهان سگ آب دريا نجس نشود



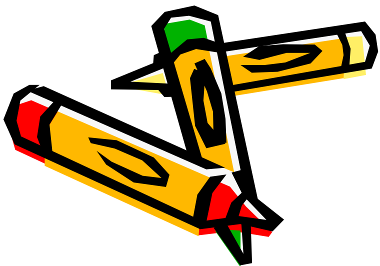


- حتی یلج الجمل فی سم الخیاط
- مگر اینکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود
- وقتِ گل نی
- حرة تحت قرة
- عطشی است در زیر سرما
- آتش زیر خاکستر



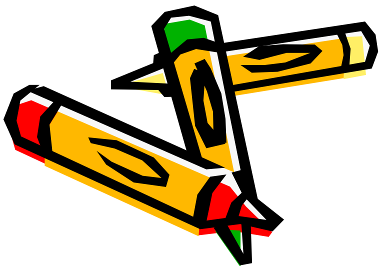


- خذ من الرضفة ما عليها
- آن چه بر روی ریگ های داغ چسبیده برگیر
- کندن یک مو از خرس غنیمت است
- ذهب الحمار يطلب قرنين فعاد مصلوم الأذنين
- الاغ به دنبال دو شاخ رفت با دو گوش بریده برگشت
- کلاغ خواست راه رفتن کبک را بیاموزد راه رفتن خودش هم فراموش کرد.



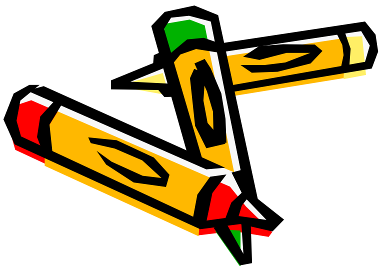


- راکب جمل و یقول ما رآنی أحد
- سوار بر شتر است و می گوید هیچ کس مرا ندید
- شترسواری و دولا دولا
- رکب جناحی نعامة
- بر دوبال شتر مرغ سوار شده
- دو پا داشت دو پا هم قرض کرد



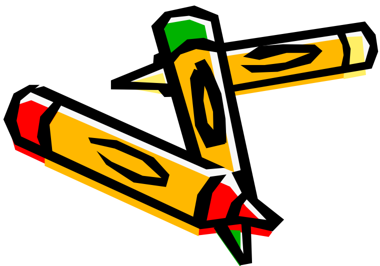


- زاد فی الطنبور نغمة أخری
- زاد فی الطین بلة
- قوز بالا قوز
- زرنی غبا تزدد حبا
- یک روز در میان به دیدنم بیا تا دوستی من به تو زیاد شود
- دوری ودوستی



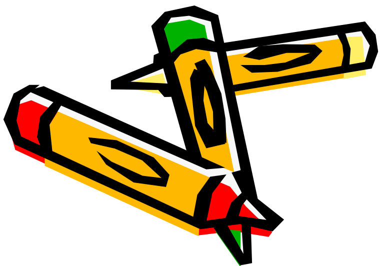


- طائر يغنى فى غير سربه
- پرنده ای است که در جایی غیر دسته اش می خواند
- خروس بی محل
- الطريف خفيف و التليد بليد
- نو دلچسب و کهنه خسته کننده است
- نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار



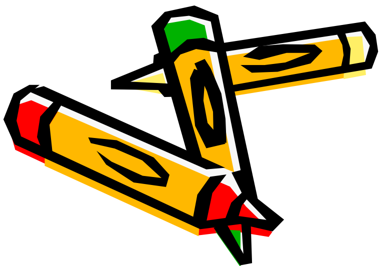


- ظالع يعود كَسيرا
- آدم لنگی است که به دیدار پاشکسته می رود
- کوری نگر عصاکش کوری دگر شود
- تخبر عن مجهوله مرآته
- آینه اش ضمیرش را آشکار می کند
- رنگ رخساره خبر می دهد از سر ضمیر



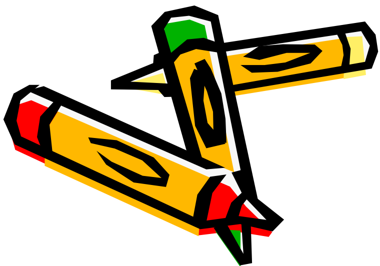


- ظئر رؤوم خير من أم سؤوم
- دایه مهربان از مادر نامهربان بهتر است
- بیگانه اگر وفا کند خویش من است
- رجع بخفی حنین
- با دو کفش حنین بازگشت
- دست از پا درازتر بازگشت



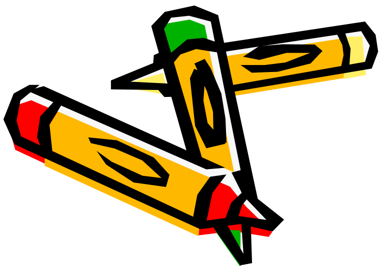


- عجلت بخارجة العجول
- عجول خارجه را به شتاب به دنیا آورد
- مگر شش ماهه به دنیا آمده ای؟
- علی أهلها تجنی البراقش
- براقش به اهلش جنایت کرد
- از ماست که بر ماست



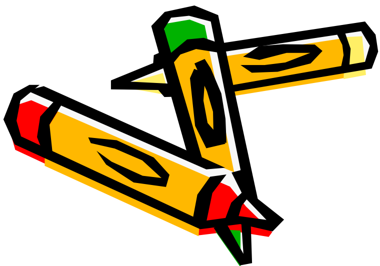


- العُنقود العالی حُصرُم
- خوشه بلند انگور غوره است
- گربه دستش به گوشت نمی رسید می گفت بو میده
- عنز بها کل داء
- بزی است که تمامی عیب ها را دارد
- عروس ما عیبی ندارد کور است، کچل است و سرگیجه دارد.



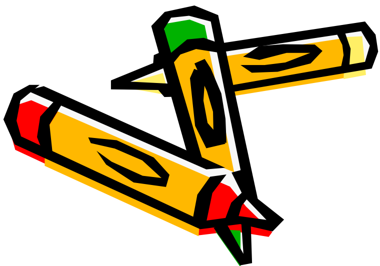


- الغمرات ثم ينجلين
- سختی ها سرانجام از میان می روند
- پایان شب سیه سپید است
- غنيت الشوكة عن التنقيح
- خار از تراشیدن و تیز کردن بی نیاز است
- به لقمان حکمت آموزی چه باشد



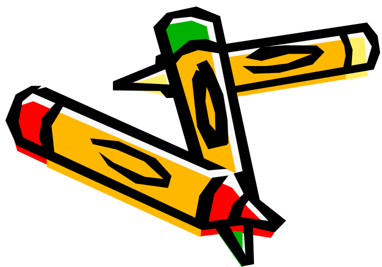


- الغنی طویل الذیل میاس
- آدم ثروتمند دامنی بلند دارد و با تبختر راه می رود
- دارندگی و برازندگی
- الفائت لایستدرک
- از دست رفته به دست نخواهد آمد
- آب رفته به جوی باز نیاید



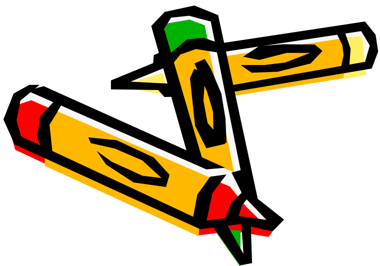


- فرخ البط عوام
- بچه مرغابی شناگر است
- از مار نزاید جز بچه مار
- فی الصیف ضیعت اللبن
- در تابستان شیر را تباه کردی
- همه پل های پشت سرت را خراب کرده ای



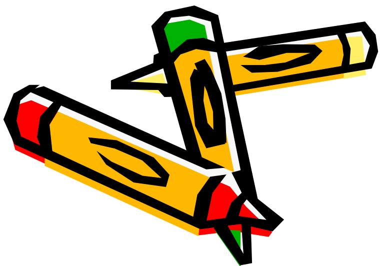


- قبل الرماء تُملأ الكنائن
- قبل الرمی یُراش السهم
- پیش از تیراندازی تیردان پر می شوند
- علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد
- کدابغة و قد حلم الأدیم
- مانند دباغ در حالی که پوست گندیده باشد
- نوشدارو پس از مرگ سهراب



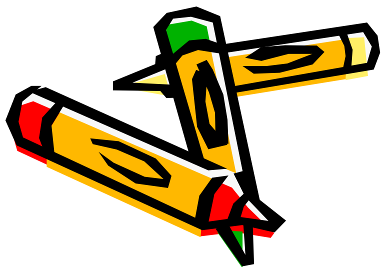


- كالمستجير من الرمضاء بالنار
- چون پناهنده ای كه از زمين تافته به آتش پناه می برد
- از چاله در آمد به چاه افتاد
- كمستبضع التمر إلی هَجر
- چون كسی كه خرما را به هجر می برد
- زيره به كرمان بردن



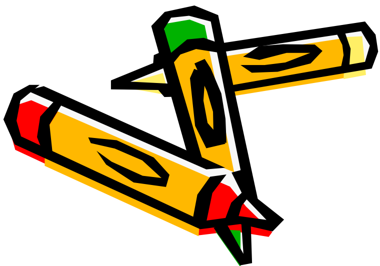


- لا آتیک حتی یؤوب القارضان
- نزد تو نمی آیم تا دو قارظ برگردند
- وقتِ گل نی
- لایترک الساق إلا ممسکا ساقا
- این شاخه را رها نمی کند مگر اینکه شاخه ای دیگر را بگیرد
- دست به عصا راه رفتن



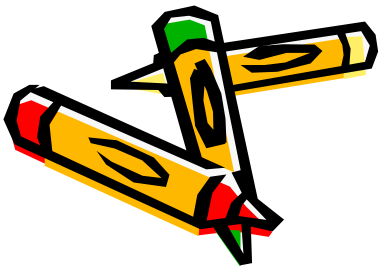


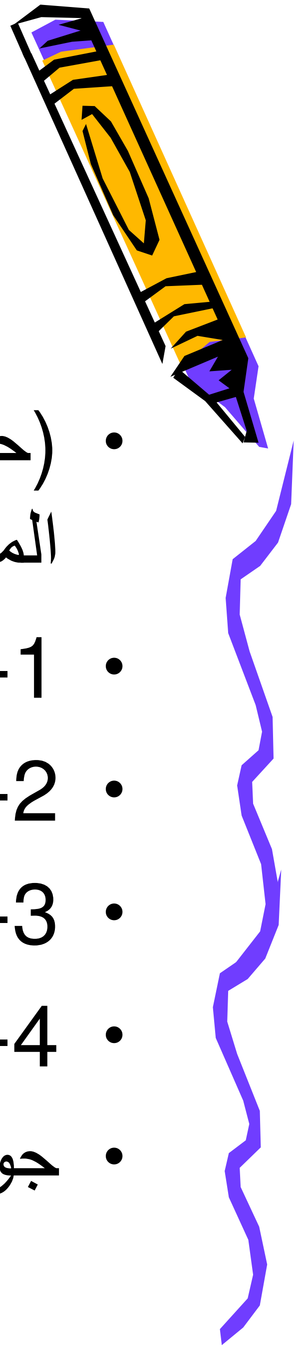
- یرکب الصعب من لا ذلول له
- هر کس مرکب رام نداشته باشد بر مرکب چموش سوار می شود
- چون اسب نماند زین نهادم بر خری
- یسرق الکُحل من العین
- سرمه را از چشم می دزد
- پشه را در هوا نعل می کند





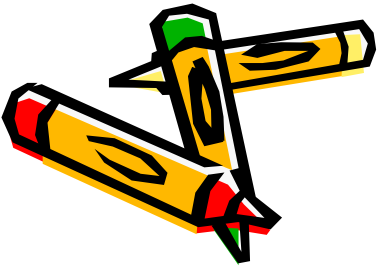
- ينفخ فی غربة مثقوبة
- در مَشک سوراخ می دمد
- آب در هاون می کوبد
- يعلم من حيث تؤكل الكَتِف
- می داند از کجا شانه شتر خورده می شود
- اگر علی ساربان است می داند شتر را کجا بخواباند





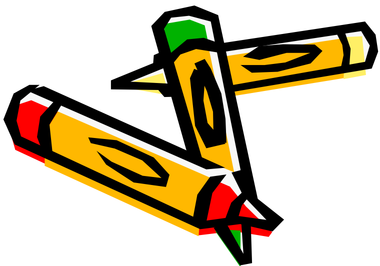
تست های مبحث ضرب المثل

- (حبل الکذب قصیر) عین غیر المناسب لمفهوم المثل(91)
- 1-دروغ بوی پیاز می دهد
- 2-دروغ که از دور می آید یک پایش می لنگد
- 3-چراغ دروغ فروغ ندارد
- 4-دروغگو خانه اش سوخت کسی باور نکرد
- جواب: گزینه 4



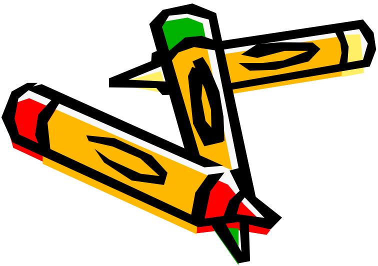


- (وقتی ناچاری در میان آید ، شغال هم کدخدا می شود) عین غیر المناسب لمفهوم المثل (91)
- 1-الضرورة تبیح المحظورة
- 2-إن الغریق بکل حشیشة یتشبث
- 3-إذا جاء القدر عمی البصر
- 4-حر الشمس یلجئ إلی مجلس السوء
- جواب : گزینه 3



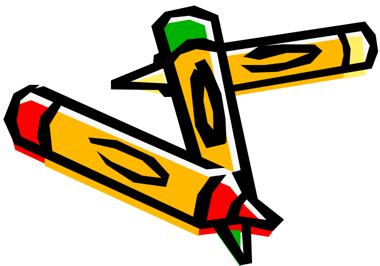


- عند الخنازير تنفق العذرة (90)
- 1-اختلط المرعى بالهمل
- 2-لايستوى الخبيث و الطيب
- 3-اختلط الخاثر بالزباد
- الخبيثات للخبيثين و الخبيثون للخبيثات
- جواب: گزینه 4



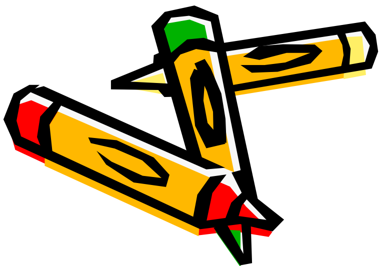


- قد یهلک المرعی عنف الراعی (90)
- 1- من لم یکرم نفسه لم یکرم
- 2- من لم یدار المسط ینتف لهیته
- 3-لاجدید لمن لایلبس الخلقا
- 4-لکل امرئ من دهره ما تعودا
- جواب:گزینه 2



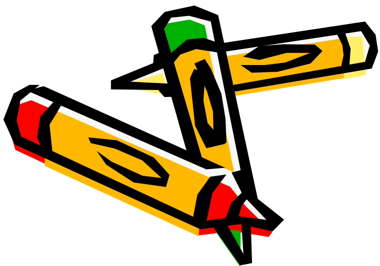


- إن قاضی الکوفة ، سئل یوما أی بنیک أثقل؟ فقال ما فیهم بعد الکبیر أثقل من الصغیر إلا الأوسط(90)
- 1- سرو ته یک کرباسند
- 2-بزرگ به کوچک رحم نمی کند
- 3-هر کسی به فکر خویش است
- سنگ تا از جای خود تکان نخورده سنگین است
- جواب : گزینه 1



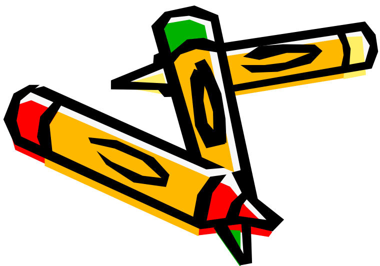


- كالمربوط و المرعى خصيب(89)
- 1-دايه دلسوز تر از مادر
- 2-خرما بر نخيل و دست ما كوتاه
- 3-اياكم و خضراء الدمن
- 4- ارخص من التمر بالبصرة
- جواب : گزينه 2



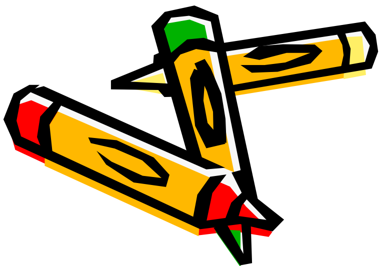


- لو الفلک الدوّار أبغضت سعیه   لعوقه شیء من الدوران (89)
- زمانه هم مطیع اوست
- هر کس با روزگار در افتاد ور افتاد
- گردش روزگار معلم خوبی است
- در همیشه بر یک پاشنه نمی گردد
- جواب:گزینه 1



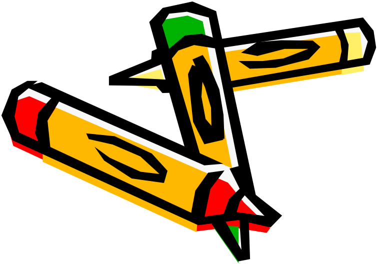


- لعمرک إن الموت ما أخطأ الفتی   لکالطول المرخی و ثنیاه بالید(89)
- 1-جوان صدای مرگ نیابد
- 2-مرگ خوب است ولی برای همسایه
- 3-مرگ یکبار شیون یکبار
- 4-این شتری است که درب خانه همه می خوابد
- جواب: گزینه 4





- و إن زجروا طيرا بنحس تمر بی   زجرت لهم طيرا تمر بهم سعد (88)
- 1-أريد حباءه و يريد قتلی
- 2-ما تبل إحدی يديه الأخری
- 3-مجتنی الثمرة لغير وقت إيناعها
- 4-يا ماءلو بغيرک غصصت
- جواب: گزينه 1





- لاترتج الخير من ذی نعمة حدثت فهو الحريص على أثوابه الجدد(88)
- من يعط باليد القصيرة يعط الطويلة
- ضعوا تيجان المفاخرة
- يا رب مباد كه روزی گدا معتبر شود
- دارندگی و برازندگی
- جواب: گزينه 3

